



نقش فرهنگ در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان خارجی

لیلا خان جانی^۱

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی نقش و جایگاه «فرهنگ» در آموزش زبان خارجی و تأثیر آن بر یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان خارجی می‌پردازد.

باتوجه به کمبود پژوهش‌های موجود درباره تأثیر فرهنگ ایرانی در زبان آموزان غیرفارسی زبان، تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل این امر اختصاص یافته است. درحال حاضر مسئله ارتباط انسانی یکی از مطرح‌ترین موضوعاتی است که ذهن زبانشناسان، مردم‌شناسان، روانشناسان و فلاسفه را به خود مشغول داشته است. از آنجایی که زبان نه تنها اصلیت‌ترین ابزار برقراری ارتباط میان انسانها بلکه بخش مهمی از فرهنگ مردم محسوب می‌شود، بنابراین ارتباط زبان با فرهنگ و تأثیر متقابل آن دو از اهمیت بالایی برخوردار بوده و توجه زیادی را به خود معطوف داشته است. حل مسائل مربوط به زبان و فرهنگ، به بهینه‌سازی فرایند آموزش زبان فارسی به عنوان زبانهای خارجی و تحقق بخشیدن هدف عملی آموزش یعنی تسلط بر زبان فارسی توسط زبان آموزان به عنوان وسیله برقراری ارتباط کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، آموزش زبان، زبان فارسی، ارتباط

^۱ -khanjani83@yahoo.com عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان، دکتری آموزش زبان روسی



۱- مقدمه:

فرهنگ در واقع بخش در هم تنیده‌ای از کنش‌های متقابل زبان و اندیشه است. زبان وابسته به فرهنگ است و بدون توجه به روابط اجتماعی یک جامعه زبانی که با زبان صورت می‌پذیرد و نیز بدون توجه به فرهنگ جامعه که زبان بخشی از آن است، درک مفاهیم زبان امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر زبان پاره‌ای از فرهنگ مردم و مهمترین وسیله برای ایجاد ارتباط میان افراد اجتماع است و از اینرو زبان نه تنها بخشی از فرهنگ است، بلکه برای ایجاد ارتباط میان افراد اجتماع است و اگر فرهنگ را شبکه‌ای در نظر بگیریم، زبان پایه اساسی آنست به گونه‌ای که بخشهای دیگر شبکه با کمک آن توصیف می‌شود.

برخی معتقدند که زبان پدیده‌ای است برای گسترش تمدن و فرهنگ می‌باشد زیرا بوسیله زبان است که میتوان علم و فن و آداب و رسوم را از نسلی به نسل دیگر انتقال داد. تحصیل هر گونه علم نیز بر عامل زبان مبتنی است به همین سبب زبان آموزی پایه آموختن علوم و فنون می‌باشد و به تجربه ثابت شده است که دانش آموزان و دانشجویان وقتی بهتر می‌توانند درسهای مختلف را یاد بگیرند که زبان را خوب آموخته باشند، همچنین، در آموزش هر گونه علم و فن ابتدا سعی می‌کنند که داوطلبان را با زبان آن رشته آشنا کنند.

۲- بحث و بررسی

در میان موجودات فقط انسان دارای فرهنگ است. فرهنگ امری اجتماعی و متکی بر روابط اجتماعی است و ارتباطات سمبولیک یا زبان برای موجودیت فرهنگ ضروری است. هر جامعه دارای فرهنگی خاص است و از نظر جامعه‌شناسی هر کس دارای فرهنگ است. (محسنی، ۱۳۶۵، ص. ۵۴)



بین رشد و شکوفایی فرهنگ و زبان، وابستگی متقابل و همبستگی کامل وجود دارد؛ لذا هر جا که زبان متوقف مانده، رشد فرهنگی نیز توقف یافته است. وابستگی رشد فرهنگی به رشد زبان دارای دو جنبه درونی و بیرونی است. در جنبه درونی هوش، اندیشه، حافظه، میدان تداعی معانی و مفاهیم ذهنی وابستگی کامل به زبان دارد و در جنبه بیرونی تفاهم میان همزبانان، رابطه بین نسلهای گذشته، حال و آینده به خاطر میراث فرهنگی و برقراری ارتباطات جوامع بازتابهای متفاوت به کمک ترجمه به زبان بستگی دارد. (صاحب الزمانی، ۱۳۴۵).

تاریخ پیدایش زبان را در زندگی انسان بدقت نمی توان تعیین کرد؛ زیرا پدیده ای است بسیار کهن؛ ولی زبانشناسان آن را بین پانصد هزار تا یک میلیون سال پیش حدس می زنند. نقشی را که زبان در حیات ده هزار سال گذشته - که دوره تکامل سریع اجتماعی انسان است - ایفا کرده بیش از نقشی است که در تمام مدت حیات طولانی انسان داشته است. (باطنی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴) زبان را جامعه بر فرد تحمیل کرده و یکی از مظاهر حیات اجتماعی است که قبل از وجود فرد، موجود بوده و بعد از وی نیز وجود خواهد داشت. (حیدریان، ۱۳۶۷، ص. ۱۷۵)

از همان زمان که در طفل تمیز پیدا می شود، شروع به اقتباس تاثیراتی از اطرافیان خود می کند و نخستین چیزی که کوشش به اقتباس و فراگیری آن می نماید، زبان است. زبان نظامی است اجتماعی که نسلهای گذشته و حاضر ساخته و پرداخته اند. کودک با اقتباس زبان و سخن گفتن، در حقیقت نظامی را اقتباس می کند که همان اجتماع، آن را تنظیم کرده است. (همان منبع، ۱۸۰)

پدیده های مادی جامعه اساس پدیده های غیر مادی هستند و تغییر و تحول در ساختمان و نحوه کارکرد پدیده های مادی دیر یا زود ساختمان و کارکرد پدیده های غیر مادی را نیز دچار تغییر می کند؛ بطور کلی هر نوع تغییر، در واژگان زبان جامعه منعکس می گردد و بدین ترتیب واژه هایی خلق می شود، می میرد و یا تغییر می کند. همواره خلق شدن واژه ها سریعتر از مرگ



آنها اتفاق می‌افتد. وقتی به دلایل نظامی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و مانند آن، فرهنگ ملت یا قومی بر فرهنگ ملت یا قوم دیگری چیره شود، آثار این غلبه در زبان ملت مغلوب به صورت عناصر فرضی بیشمار ظاهر می‌شود و وقتی آن عامل یا عواملی که پشتوانه آن هجوم فرهنگی بود، از بین رفت یا به سستی گرایید، آثار زبانی که به وجود آورده بود، فوراً ناپدید نمی‌شود و چنانچه برای ریشه کن کردن آن آگاهانه تلاش نشود، ممکن است قرن‌ها و شاید برای همیشه باقی بماند؛ وضع عناصر فرضی فرانسوی در زبان انگلیسی از این مقوله است. (باطنی، ۱۳۶۴، ص. ۸۴)

به عقیده گروهی از روانشناسان زبان ساختمان زبان یک فرد در ماهیت تفکر او نقش مهمی ایفا می‌کند. فرضیه سایپر-ورف فرضیه ای «قالب باور» بشمار می‌رود که بر مبنای آن «زبان شکل دهنده اندیشه است» (باطنی، ۱۳۷۳، ص. ۹۸) فرضیه سایپورف را متشکل از دو اصل زیربنایی میدانند: ۱- «جبرگرایی در زبان»، یعنی زبان تعیین کننده اندیشه است، و ۲- «نسبیت در زبان»، یعنی زبان‌های متفاوت جهان بینی‌های مختلفی ایجاد می‌کنند.

لازمه درک یک شعر ساده صرفاً دانستن معنی واژه‌های آن نیست، بلکه باید با پدیده‌های زندگی اجتماعی مردمی که مفاهیم واژه‌ها از آنها نشأت گرفته‌اند آشنا بود. به سخن دیگر اینکه بدون آگاهی از الگوهای زندگی اجتماعی یک جامعه زبانی، نمی‌توان به ارزشهای واقعی و مفاهیم واژه‌ها پی برد. درواقع زبان عنصر اساسی فرهنگ مردم است.

متأسفانه نقضیه‌های بسیاری در آموزش این بخش اساسی زبان در کلاسهای ما به چشم می‌خورد ما معلمان توانسته‌ایم بیان آواها، واژه‌ها و جمله‌ها را به زبان آموز بیاموزیم، آنگونه که بدرستی سخن بگویید و حتی آنقدر پیش برویم که مطالب ادبی زبان خارجه را بخواند و بحث کند و نکته‌های زبان شناسنامه را برگزیند، اما در آموزش یکی از جنبه‌های اساسی زبان یعنی فرهنگ کوتاهی کرده‌ایم و اکنون زمان آن رسیده است که رفع این نقضیه کنیم زیرا که برای



ایجاد ارتباط درست و تفاهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برخی فرهنگ را هدف نهایی آموزش زبان تلقی کرده‌اند. هدف از آموزش زبان را ایجاد مهارت سخن گفتن با توجه به نظم آوایی و الگویی ساختار آن می‌داند، به گونه‌ای که این مهارت بتواند نسبت به آداب و رسوم، رفتار و بطور کلی فرهنگ مردم آن زبان حسن تفاهم ایجاد کند. یادگیری زبان خارجی بدون آگاهی از نحوه زندگی مردمی که بدان سخن می‌گویند، زبان آموز را به ایجاد تفاهم رهنمون نمی‌سازد که خود امروزه می‌تواند نقیصه عظیمی بشمار آید. آگاهی از فرهنگ یک جامعه زبانی، انگیزش یادگیری زبان آن جامعه را تقویت می‌کند. معلمان زبان چاره‌ای جز این ندارند که همگام با آموزش زبان نکته‌های لطیف فرهنگی را با آن بیامیزد، اما باید توجه داشته باشند که آموزش این نکته‌ها دقیق و صحیح صورت گیرد تا زبان آموز تصویر درستی از افکار و رفتار اجتماعی مردم آن جامعه زبانی در ذهن خود پیرواند تا در رابطه میان وی و مردم آن جامعه خدشه‌ای ایجاد نشود و به حسن تفاهم و درک صحیح فرهنگ و ادبیات جامعه بیگانه بیانجامد.

آموزش نکات فرهنگی بیش از آنچه که تاکنون تصور می‌رفته اهمیت دارد، بویژه اگر هدف از آموزش زبان یادگیری نحوه ارتباط با سخن‌گویان آن باشد. زبان آموز در کلاس درس، برای اولین بار با بسیاری از الگوهای فرهنگی و اجتماعی زبان بیگانه مواجه می‌شود و عکس‌العمل و برداشت وی از این الگوها برای ایجاد ارتباط مناسب و درست حائز اهمیت است. ایجاد ارتباط با سخن‌گویان زبان خارجه، بدون آگاهی از فرهنگ آنان غیر ممکن نیست، بنابراین همگام با آموزش زبان، ناگزیر آموزش فرهنگ نیز صورت می‌پذیرد، اگر فرهنگ را از زبان جدا سازیم و یا اگر زبانی را با فرهنگ زبانی دیگر در آمیزیم، زبان آموز را با مفاهیم نادرست روبرو ساخته ایم و موجب سوء تفاهم شده ایم.



اگر هدف نهایی آموزش زبان خارجی ایجاد ارتباط با خارجیان از طریق مطالعه آثار ادبی آنها، سخن گفتن و مکاتبه با آنها و از قبیل است، برای رسیدن به این هدف، مطالب درسی زبان آموزان باید صرفاً حاوی الگوهای فرهنگی همان زبان خارجی باشد. اینکه نکته‌های فرهنگی چگونه باید تدریس شود، نظرات گوناگونی ارائه شده است. برخی معتقدند که مطالب فرهنگی ابتدا از طریق آشنا ساختن زبان آموز با نکته‌های فرهنگی زبان مادری وی ارائه شود. و برخی دیگر به انگیزش معتقدند.

بنابراین مطالب آموزش زمانی برای زبان آموزان مفهوم خواهد داشت و انگیزش لازم را برای یادگیری در آنان ایجاد خواهد کرد، که اولاً بار فرهنگی داشته باشد، و ثانیاً نکته‌های فرهنگی زبان خارجی با مقایسه و مقابله نکته‌های فرهنگی زبان مادری تدریس شود. فرهنگ به طور کلی باورهای یک جامعه است که به صورت رفتارهای مشترک در آن اجتماع بروز می‌کند و بخشی از آن فولکلور، فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و انواع گوناگونی دارد از قبیل: حکایت‌های واقعی، داستان‌های امثال، لطیفه بخشی، تشبیهات عامیانه، زبان مخفی، نفرین‌ها، ترانه‌ها، لالایی‌ها و... آداب و رسوم، جشن‌های مذهبی و سوگواری‌ها نیز گوشه‌ای از فرهنگ عامیانه است که به ادبیات عامیانه یا شفاهی شهرت دارد و زبانی که این فرهنگ را انتقال می‌دهد زبان عامیانه است. زبان عامیانه همان زبان زنده و گفتاری مردم است که در گفت‌وگوهای روزمره استفاده می‌شود و از ویژگی‌های آن سادگی، کوتاهی، تکرار واژگان و افعال، استفاده از کنایه‌ها، اصطلاحات و اجتناب از واژگان علمی و پیچیده است و این زبان در آثار برخی از نویسندگان ادب فارسی دیده می‌شود.

فرهنگ هر جامعه از دو دسته پدیده تشکیل شده است: پدیده‌های مادی مانند وسائلی که مردم جامعه با آن معیشت خود را اداره می‌کنند، و پدیده‌های غیر مادی مانند ارزشهای اجتماعی یا نگرشها، افکار و جهان بینی‌ها؛ اتومبیل یک عنصر فرهنگی مادی است ولی نگرش زن و



شهر به همدیگر، از نوع عنصر فرهنگی غیر مادی است. فرهنگ همواره درد و بعد جداگانه مادی و معنوی بررسی می‌شود. فرهنگ مادی به مجموعه آثار عینی و مادی کار بشری اطلاق می‌شود. فرهنگ معنوی مجموعه‌ای از ارزش‌های معنوی است که توسط جامعه بشری ایجاد شده است. از آنجایی که فرهنگ مادی موضوع مورد بحث ما نیست، بنابراین در ادامه صحبت درباره فرهنگ، تنها به فرهنگ معنوی می‌پردازیم.

ورشاکین و کاستاماروف، زبان‌شناسان مشهور روسی که به عنوان پایه‌گذاران کشورشناسی زبان در روسیه شناخته شده‌اند، در کتاب خود با عنوان «زبان و فرهنگ» چنین می‌گویند: «مسئله این است حتی کسانی که مسلط به یک زبان مشترک‌اند نیز نمی‌توانند همیشه یکدیگر را به درستی درک کنند که دلیل آن اغلب همان تفاوت فرهنگ‌هاست» (ورشاکین، ۱۹۹۰، ص. ۱۳۰) در وهله اول زبان به فرهنگ کمک می‌کند تا هم ابزار ارتباط افراد باشد و هم ابزار جدایی آنان... زبان درحالی‌که از لحاظ دیالکتیکی این دو عملکرد متضاد را داراست، می‌تواند ابزاری برای بقای ملل و متمایزکننده خودی‌ها از بیگانه‌ها باشد (آنتیوف، ۱۹۸۹، ص. ۴۶) پس در اینجا مسئله دیگری مطرح می‌شود و آن ارتباط میان زبان و فرهنگ است. ما ضمن درک طبیعت اجتماعی زبان، با این عقیده موافقیم که اصل‌ترین عملکرد زبان، نقش ابزاری آن در برقراری ارتباط بین افراد است. علاوه بر آن، زبان ابزاری برای درک جهان است، بدین معنی که «زبان نه تنها ابزاری برای اطلاع‌رسانی است، بلکه قابلیت این را دارد که اطلاعاتی را در زمینه محیط پیرامون فرد منعکس، ثبت و حفظ نماید.» (ورشاکین، ۱۹۹۰، ص. ۱۵۹) بنابراین ارتباط در صورتی میسر است که هم گوینده و هم مخاطب دارای اطلاعات پیشین مشترک باشند.

فرهنگ برای تجسم یافتن محتوای خود به شکلی ملموس یا به اصطلاح برای یافتن زبان خود، از تمامی آنچه که می‌تواند بیانگر غنای مفهوم آن باشد، بهره می‌برد. یعنی عناصر



طبیعی، «اشیاء» ساخته شده توسط بشر، ثمرات عینی شده درک جهان معنوی، آثار هنری، علمی و غیره و همچنین ابزار سمبولیک زبان طبیعی که به وسیله محتوایشان ماهیتی فرهنگی یافته‌اند. ابزار سمبولیک زبان طبیعی یعنی کلمات، اصطلاحات، جملات و حتی متن‌ها که نقش سمبل‌های «زبان» فرهنگ را دارند و در آنها شکل و محتوای آن یکجا آمده است. «فرهنگ، زبان خود را داراست - فرهنگ با ما به وسیله معماری، نقاشی، موسیقی رقص و ادبیات سخن می‌گوید ... اما جامعترین ابزار برای بیان، زبان فرهنگ، زبان طبیعی است. با استفاده از این ابزار، انسان می‌تواند درباره تمامی آنچه که در محیط اطراف تحت تأثیر فرهنگ قرار گرفته و قابل بیان و تعبیر است، سخن بگوید.» (تلیا، ۲۰۰۶ ص. ۳۹)

به عقیده تر- میناسوا واژگان، دستور و قواعد، اصطلاحات، ضربالمثلها و تعبیرات، فولکلور، ادبیات و علم، در نوشتار و گفتار شفاهی، ارزشهای فرهنگی را حفظ می‌کند. (تر-میناسوا، ۲۰۰۰ ص. ۶۹)

دانستن اصطلاحات نه تنها گفتار زبان آموزان را غنی‌تر و پربارتر می‌سازد، بلکه به آنان کمک می‌کند تا فرهنگ و تفکر مردم کشوری که زبانش را فرا می‌گیرند، درک نمایند. تعبیر و تفسیر اصطلاحات در بافت فرهنگ یعنی بررسی آنها به عنوان سمبل‌های زبانی با مفاهیم فرهنگی در کلاسهای زبان فارسی، نه تنها ممکن بلکه ضروری و لازم است علاوه بر این، اصطلاحات نقش فرهنگ را در یکپارچه سازی شکل و محتوای آن ایفاء می‌کنند. در رابطه با این امر، نه تنها معلومات پیشین استادان زبان فارسی و تجربه شخصی آنان کمک می‌کند، بلکه فرهنگهای بیشمار اصطلاحات و تعبیرات نیز نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

و در نتیجه می‌توان چنین گفت که «هر درس زبان خارجی همانند برخورد فرهنگها تجربه عملی ارتباط میان فرهنگی است زیرا هر واژه خارجی، دنیای خارجی و فرهنگ خارجی را منعکس می‌نماید. (تر-میناسوا، ۲۰۰۰ ص. ۱۱۴)



شایان ذکر است که آموزش زبان در حوزه جامعه‌شناسی، شامل چهارچوبهایی مبتنی بر مفاهیم کلیدی زیر است:

(۱) همه رخدادهای زبانی نیازمند کاربرد زبانی خاص در بافتهای اجتماعی خاص است
(۲) . (۲) زبان به کاربرده شده در شرایط خاص اهمیتی فراوان در تعیین ماهیت رخداد اجتماعی دارد بر این مبنای آنچه در بافت جامعه‌شناختی مؤثرتر واقع است آن است که ساختهای زبانی چگونه با یکدیگر تعامل می‌یابند تا گفتمانی کامل را تشکیل دهند. نکته شایان ذکر دیگر اینکه طبقه اجتماعی، قومیت، سن، جنسیت، و محیط جغرافیایی از موارد تأثیرگذار در تغییرات واقعیت‌های زبانی اند که باید در برنامه‌های درسی لحاظ شوند.

کسب مهارت در سنتهای جامعه شناختی اهمیت شایانی برای مدرس زبان فارسی دارد. از اهمیت تدوین برنامه‌های درسی در بافتهای اجتماعی نیز نباید غافل شد؛ لذا فرهنگ، که بخشی عظیم از جامعه و افراد آن را تشکیل می‌دهد، متمرکز و هدفمند در کتابهای درسی به کار رود و به آن توجه شود. برای پدید آوردن درک فرهنگی در زبان آموز ضروری است حساسیت به سایر فرهنگها و زندگی همگن در جامعه زبانی مقصد میسر شود. به عبارت دیگر، زبان آموز باید به توانش بین فرهنگی دست یابد تا توانایی برقراری ارتباط در بافتهای بین فرهنگی را بیابد.

پیش زمینه فرهنگی نقش بسیاری در یادگیری زبان دارد و نگرشهای مثبت و منفی به زبان را موجب می‌شود. در دوره های آموزشی زبان فارسی، مسائل فرهنگی، به لحاظ بافتی و محتوایی، بسیار اندک مطرح می‌شوند. با توجه به میزان تأثیر این مسائل در یادگیری، در نظر گرفتن آن در برنامه های آموزشی پیشنهاد می‌شود. در کل، تعدیل جنبه‌هایی از فرهنگ همانند ادبیات، که در آموزش زبان فارسی بسیار بر آن تأکید شده است، و پدید آوردن نگرشی عمیقتر در مورد جاذبه های دیگر بهبود شرایط برای آموزش زبان فارسی را در پی خواهد



داشت. در حصول اهداف، باید عناوین و شاخص‌های موضوعی برشمرده شده و در برنامه‌های درسی لحاظ شوند. همچنین، توجه به بافت و محتوا نیز در این خصوص شایان توجه است.

۳- نتیجه‌گیری

در سالهای اخیر در ایران نیاز به تسلط عملی بر زبان فارسی افزایش یافته است و هدف تسلط عملی بر زبان به عنوان ابزار برقراری ارتباط در وهله اول قرار گرفته است. تجربه تدریس زبان فارسی به خارجی‌ان در سالهای اخیر نشان می‌دهد که دانشجویان این رشته بعد از دانش آموختگی، دانش زبانشناسی گسترده‌ای را کسب می‌کنند، ولیکن در حین استفاده در گفتار دچار مشکلات زیادی می‌شوند. به احتمال زیاد این امر به این دلیل اتفاق می‌افتد که نقش عوامل فرا زبانی که بیش از هر چیز در فرهنگ عینیت می‌یابند مورد توجه لازم قرار نمی‌گیرد، در فرهنگ نه تنها دنیای واقعی پیرامون انسان و شرایط زندگی او منعکس می‌شود، بلکه خودآگاهی اجتماعی ملت یعنی تفکر، شیوه زندگی، سنن، سیستم ارزشها و جهان بینی انسان انعکاس می‌یابد. تمامی این موارد تا حدودی در زبان عینیت می‌یابند، به عبارت دیگر زبان همانند پوششی مادی برای فرهنگ به شمار می‌رود.



منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۶۴)، چهار گفتار درباره زبان، نشر آگاه .
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳)، زبان و تفکر، نشر فرهنگ معاصر
- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، مسائل زبان شناسی نوین، نشر آگاه
- حیدریان، محمود (۱۳۷۴)، مبانی روان شناسی اجتماعی، نشر بابک
- صاحب الزمانی، ناصرالدین (۱۳۵۶)، فرهنگ و انقلاب زبان، نشر عطایی
- محسنی منوچهر (۱۳۸۲)، جامعه شناسی عمومی، نشر طهوری

Antipov, T. A., Donskikh O. A., Morkovina I. U., Sorokina U. A .
 (1989). Text kakyivleniekulturi
 (Тексткакявлениекультуры). Novosibirsk.

Telia, V. N. (2006). *Bolshoifraziologicheskislovarruskovayazika, ZnachenieUpotriblenie, Kulturologicheskikommentari* (Большойфразеологическийсловарьрусскогоязыка, Значение. Употребление. Культурологическийкомментарий). Moscow: Ast-PressPublications.

Ter-Minasova, S. T., (2000).
Yazikiimejkulturnayakomunikatsia (Языкии межкультурная коммуникация). Moscow. Slova

Vereshagin, E. M., Kastamarov V. G. (1990).
Yazikikultura (Языкикультура), Moscow. RusskiYazik.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop